



بررسی دیدگاه علامه طباطبائی نسبت به امکان یا امتناع علوم انسانی اسلامی

انضمامی‌ترین بحث در باب اعتباریات و علوم انسانی به پرسش کنونی جامعه ایران (و شاید جوامع اسلامی) در باب امکان یا امتناع علوم انسانی اسلامی و علم دینی بازمی‌گردد.

انضمامی‌ترین بحث در باب اعتباریات و علوم انسانی به پرسش کنونی جامعه ایران (و شاید جوامع اسلامی) در باب امکان یا امتناع علوم انسانی اسلامی و علم دینی بازمی‌گردد.

به گزارش خبرگزاری مهر، کتاب «اعتباریات؛ کنش‌ها و برساخت‌های اجتماعی» تألیف قاسم پورحسین عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی به همت انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، در بهار ۱۴۰۴ در ۴۲۳ صفحه و به بهای ۴۵۰ هزار تومان منتشر شد.

علامه طباطبائی نظریه «ادراکات اعتباری» را در آغاز دهه ۳۰ به نحو مبسوط طرح کرد؛ اگرچه تاکنون شرح‌ها و نقدهایی بر این نظریه نگاشته شده، اما به نظر می‌رسد هنوز خوانشی مطلوب و شرحی سزاوار از آن صورت نگرفته است. برخی این نظریه را واکنشی در مقابل جریان‌های چپ دهه بیست و سی تلقی کردند، و پنداشتند علامه کوشید تا با تفکیک دو نوع ادراکات، نشان دهد که تمامی ادراکات آدمی از یک سنخ نبوده و هر کدام واجد خصلت‌های ویژه‌ای است. «ادراکات حقیقی» که دائمی و ضروری‌اند با توجه به امکان دستیابی به معرفت یقینی، تغییر و دگرگونی در آن‌ها راه پیدا نمی‌کند، بلکه تغییر، ویژگی خاص «ادراکات اعتباری» است. گروهی دیگر بر این تلقی شدند که علامه درصدد طرح اعتباریات به معنی عام و وسیع آن است. این نوع از اعتباریات که با فارابی در کتاب الحروف و تبیین فرایند پیشرفت عقل آدمی و حیات اجتماعی آغاز شده (البته برخی به نادرست آن را به سهروردی نسبت داده‌اند)، تأثیر نیرومندی در مفاهیم سازی سنت فلسفه اسلامی داشته و علامه پس از طرح ادراکات حقیقی در سه مقاله سوم و چهارم و پنجم، می‌کوشد تا ادراکات اعتباری را در مقاله ششم تبیین نماید.

بررسی دیدگاه علامه طباطبائی نسبت به امکان یا امتناع علوم انسانی اسلامی

فیلسوفان اسلامی از زمان فارابی و ابن سینا مسئله تحقق یا عینیت و اصالت وجود را در تقابلی با اعتباریت آن طرح کردند و این پژوهش را در ذیل نظام هستی‌شناسی آورده‌اند. این رهیافت را باید در درون اصالت و اعتباریات عقلی یا حکمت نظری گنجانده و ایرادات سهروردی و تأکید او بر اعتباریت وجود را نیز باید در ساحت نفس‌الامری یا نظری مورد توجه و پژوهش قرار داد. ابتکار فارابی در باب دوم کتاب الحروف و دیگر آثارش در باب نسبت انسان و ساحت‌های نظر و عمل، ظهور مدنیت به سبب پیشرفت عقل، مناسبات انسان و جامعه، ایده تکوین و تطور عقل بشری، و بالاخره چگونگی ظهور و وضع زبان و نسبت آن با ساختار جامعه، امری بدیع و شگرف بود که تنها محدود بر حکمت عملی نبوده و به نوعی تبیین دو سنخ از اعتباریات نظری و نفس‌الامری و اعتباریات عملی یا حیث فعل و قوه فعاله انسان می‌باشد. به نظر می‌رسد علامه طباطبائی در طرح نظریه اعتباریات، تأثیر بسیاری از فارابی پذیرفته است.

پژوهش حاضر در شش گفتار متفاوت و با مسائل و موضوعاتی متمایز و مختلف فراهم آمده که بدون تأمل درخور، نسبت میان آنها عیان نخواهد شد. پس از پیشگفتاری در تبیین و شرح اهمیت و جایگاه حکمت عملی فیلسوفان مسلمان و عدم التفات محققان به آن، در گفتار نخست، پیشینه تاریخی-پژوهشی اعتباریات مورد بررسی قرار گرفت که در آن ضمن تبیین پیشینه‌ها، بر مسئله زبان و طرح آن توسط فارابی در الحروف و نسبت آن با اعتباریات و نیز اهمیت منظر کاربردی و تکامل انگاری زبان مورد توجه قرار گرفت. پرسش از معنای اعتباریات، عنوان اصلی گفتار دوم است که در آن به بررسی گونه‌شناسی تعاریف، ساحت‌های مختلف اعتباریات، وجه زبانی-معرفتی اعتباریات، مسئله بنیادین کنش آدمی و قلمرو اجتماعی اعتباریات پرداختیم.

گفتار سوم به اقسام و سنخ‌های گوناگون اعتباریات اختصاص دارد. در این گفتار، اعتباریات پیشا اجتماع و پسا اجتماع طرح گردید. در مبحث پیشا اجتماع، چهار اصل ضرورت (باید)، اصل نیکی و بدی (حسن و قبح)، اصل سادگی و آسان (انتخاب آخف و آسهل)، و نیز اصل بسیار مهم استخدام و اجتماع بحث شده و مناقشات مربوط به سرشت انسان و نظام قانون گذاری و نیز نظریه خوددوستی و نوع دوستی مورد بررسی قرار گرفت. اصل مالکیت و سخن و اعتباریات زبانی-واژگانی، قدرت و اصل حکم فرمایی در اعتباریات پسا اجتماع تبیین شد.

گفتارهای سه گانه بعدی به نتایج و دستاوردهای معرفتی و انضمامی نظریه اعتباریات اختصاص دارد. در گفتار چهارم، مسئله اخلاق و شایست‌ها و ناشایست‌های اخلاقی و نسبت آن با اعتباریات طرح شده و مناقشات شارحان و شاگردان علامه همچون

مطهری، مصباح، حائری و جوادی آملی در باب گزاره های اخلاقی و نزاع منشأ و خاستگاه افعال اخلاقی و تفاوت آن با غایات و ثمرات فعل، مورد بررسی قرار گرفت. در ضمن آن مسئله بسیار مهم امکان و عدم امکان استنتاج «باید» از «هست» و امکان ارجاع گزاره های ارزشی و هنجاری به واقع، مورد موشکافی تفصیلی قرار گرفت.

اعتباریات، پیشرفت عقل و ظهور تمدن در گفتار پنجم مورد توجه و مطالعه قرار گرفت. مفهوم تمدن، منظرهای گوناگون متفکران مهم در باب تمدن و نظریه پیشرفت (کانت، هردر، هگل و مارکس)، مناقشات مهم فروید و مارکوزه در باب دستاوردهای سلبی و ایجابی تمدن، امکان ظهور دادن تمدنی اخلاقی و انسانی و نیز مسئله مهم اعتباریات و فرایند تمدن در درون یک مطالعه تطبیقی به نحوی انتقادی مورد بحث قرار گرفت.

فرجامین گفتار به اعتباریات و چیستی علوم انسانی اختصاص دارد که در آن سرشت علوم انسانی، انسان و علوم انسانی و نیز پرسش از اعتباری بودن علوم انسانی طرح شد. شاید بتوان گفت که انضمامی ترین بحث در باب اعتباریات و علوم انسانی به پرسش کنونی جامعه ایران (و شاید جوامع اسلامی) در باب امکان یا امتناع علوم انسانی اسلامی و علم دینی بازمی گردد. به همین منظور در باب هایی مسئله فوق بحث و بررسی شده و رویکردها و ادله موافقان و مخالفان بدون جانبداری و با التزام به روش پژوهش علمی، تبیین شده است. در پایان دو نظریه بنیادین یعنی نظریه توالد علمی و نظریه شراکت در علم به طور مستقل مورد بحث قرار گرفت.

اثر حاضر با عنوان فرعی «پژوهشی در چیستی اعتباریات و گستره معرفتی آن، بازخوانی دیدگاه علامه طباطبایی» بخشی از مطالعات پورحسن در حوزه میراث اسلامی و پاره ای از تحقیقات او در باب حکمت عملی فیلسوفان اسلامی است.

این استاد دانشگاه در پژوهش های دیگر، حکمت عملی فارابی و ابن سینا را مورد پژوهش قرار داده که بخشی از مطالعات در باب فارابی در چهار اثر پیشین با عنوان های «نظام معرفت شناسی؛ بازخوانی بنیان های معرفتی فارابی»، «فارابی و الحروف، خوانشی نو از فلسفه فارابی»؛ «گسست بنیادین معرفتی از سنت یونانی»، «فارابی و تأسیس فلسفه اسلامی» انتشار یافته بود و مجلد دوم از مطالعات او در باب ابن سینا در حال تدوین است. پیش از این «ابن سینا و خرد ایرانی» از او منتشر شده بود.